

## عنوان مقاله:

چرایی به جای چیستی در آموزش عالی

## محل انتشار:

اولین همایش بین المللی و چهاردهمین همایش ملی آموزش (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

محسن نورافکن طالش میکاییل - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین،  
ایران

یوسف گرگی مهبانی - استاد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران

## خلاصه مقاله:

دانشگاه بر مبنای رویکرد نهادگرا، خود یک نهاد اجتماعی است که در ارتباط پویا و مستمر با سایر نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد و رشد پیدا میکند. بر این اساس دانشگاه و آموزش عالی را نمیتوان جدا از زمینه اجتماعی آن مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد. متأسفانه تاکنون به مسئله چرایی دانشگاه در ایران، توجه کافی مبذول نشده است. اینکه چرا به این مسئله توجه نشده است خود میتواند محل پرسشی بنیادین باشد. سوالاتی از این دست که آیا استاد دانشگاه باید پژوهشگر باشد یا شان معلمی میتواند از پژوهشگری باشد، چه رشته هایی در دانشگاه باید تدریس شوند و چه ایده های باید به این رشته ها نظم دهد و جایگاه و نقش آنها را تعیین کند، چه کسانی باید در دانشگاه درس بخوانند، دانشگاه محل آموزش است یا محل تحقیق و پژوهش، نسبت دانشگاه با دولت و جامعه و اقتصاد چیست، آیا دانشگاه باید مسائل مردم را حل کند یا منطق دانشگاه فارغ از تحولات و مسائل روزمره است، مکان شکل گیری دانشگاه کجا باشد و دارای چه ویژگیهایی باید باشد، آیا دانشگاه باید برای اسکان دانشجویانش برنامه داشته باشد و آیا این برنامه نسبتی با روح کلی دانشگاه دارد، مدیریت دانشگاه باید در دست چه کسی باشد و سوالات بسیار دیگری از این دست ... هدف این پژوهش دستیابی به فضیلتهایی است که توسط فیلسوفان مورد تامل بوده اند و البته هر یک به این سوالات از زاویه خاصی پاسخ داده اند.

## کلمات کلیدی:

علم، جامعه، دانشگاه، آموزش عالی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1624062>

